



لطفاً

«بیانیه» نسازید!

چهل و سومین جشنواره فیلم فجر

جشنواره چهل و سوم چه تصویری از پدر پرسیاخت کرد؟

ابتدال معنا
با «پیرپسر»

اکران فیلم سینمایی «پیرپسر» در بخش ویژه چهل و سومین جشنواره فیلم فجر

ایمان عظیمی
خبرنگار گروه فرهنگ

برای اهالی رسانه به همراه نمایش فیلم «رکسانا» در این بخش یکی از دو اتفاق مهم فستیوال فجر بود. اما آیا صرف نمایش این اثر برای طیف اندکی از مخاطبان سینما و گرفتن اعتبار از آن‌ها باید تبدیل به پتکی برای کوبیدن بر سر منتقدان شود؟ وقتی اکران فیلم در سالن همایش‌های برج میلاد به اتمام رسید جو مثبت عجیب و غریبی به نفع این اثر و سازنده‌اش شکل گرفت، که صحبت و نقد و نظر منفی نسبت به آن را به حاشیه برد و اکران فوری «پیرپسر» را به مطالبه اصلی و اساسی جامعه سینمایی کشور بدل کرد. اما این مطالبه چگونه شکل گرفت؟ برای پاسخ به این پرسش باید ابتدا به فیلم و نشانه‌گذاری‌های واضح آن رجوع کنیم.

«پیرپسر» دومین اثر بلند سینمایی «اکتای برهانی» است. او در این فیلم باز هم به «داستانی‌سکی»، داستان‌ها، شخصیت‌ها و موقعیت‌های ارجاع داده و بی‌گرفته‌برداری از مضامین موجود در «برادران کارامازوف» به شکلی غیرهمنه‌دانه و دم‌دستی توهم مهم و بنیان‌کن بودن فیلمش را به مخاطب ارائه داده است. اما چرا «پیرپسر» اثر خوبی نیست؟ (اگرچه فیلم مهمی است).

برهانی بنای ناهمساز فیلم اولش را هم با دستمایه قرار دادن «جنایت و مکافات» ساخته و پرداخته کرد و برای خودش شهرتی مضاعف خرید، ولی داستان «پیرپسر» به گُل و از اساس متفاوت است. اگر فرزند رضا برهانی در اولین گام پا بر شانه‌های «راسکولنیکف» گذاشت تا خودی نشان دهد، در فیلم دوم با اشاره به نشانه‌های واضح که نقش «برادران کارامازوف» را در ذهن تماشاگران برجسته می‌کند درصدد ارسال این پیام به دیگران است که شما نه تنها ملزمید تا اثر من را با اهمیت تلقی کنید، بلکه باید در مقام ستایش از آن نیز دست به قلم ببرید، اما شاید نپرسید مگر چه اشکالی دارد که یک فیلمساز چنین هدفی را در سر پیرواند؟ مگر غیر از این است که بیشتر تکنسین‌ها، هنرمندان و افراد مشغول در رسانه‌ای به بزرگی و جاهت سینما اصلاً با همین هدف وارد این مدیوم می‌شوند؟ هیچ اشکالی ندارد که آدم‌ها برای ستایش شدن و جلب توجه پشت دوربین قرار بگیرند، اما آن‌ها بهتر است برای رسیدن به این مرتبه حتی اگر اثر قائم به ذات و خودبسنده‌ای نمی‌سازند، لااقل دست به دامان غولی همچون داستانی‌سکی هم نشوند. انتقال مضامین موردنظر این نویسنده بزرگ به مدیوم سینما کار به غایت سختی است و کم‌تر کسانی تاکنون توانسته‌اند به سادگی از پس آن بربایند، از طرف دیگر بهره‌برداری از بعضی مفاهیم به دلیل ذهنی بودتشان اساساً ممکن نیست و مابه‌عنوان مخاطب برای درک آن‌ها باید به سراغ سرچشمه اصلی برویم و به فهمی اصیل از تماتیک داستان دست پیدا کنیم، زیرا سینماگران با تقلیل واقعه به اموری مصرفی ارزش آن را پایین می‌آورند و مطالعه شاهکارهای ادبی را به امری علی‌السویه تبدیل می‌کنند. اقتباس وقتی معنا دارد که آن رمان یا داستان کوتاه بسیار اینژکتیو و عینی باشد و به درد استفاده در مدیوم تصویر بخورد. از آن مهم‌تر، کتاب باید نقصی در وجود خود داشته باشد تا با اتکا به سینما آن را برطرف کند و حیاتش را ادامه دهد. در مورد «پیرپسر» این مسئله صدق نمی‌کند، چون سقف «برادران کارامازوف» آنقدر بلند است که قامت کوتاه فیلم به آن نمی‌رسد و اثر برای خریدن توجه تنها با مضمون «پدرگشی» موجود در کتاب بازی می‌کند.

ادامه در صفحه ۱۲

موسی

از ایده تا اجرا